

بازیابی جهات اهمیت فواصل قرآنی

دکتر علی اصغر آخوندی^۱

چکیده

«فاصله» در پایان آیات، پدیده‌ای قرآنی است که تجلیگر اعجاز و بلاغت آن است. درباره این اصطلاح که از زمان سیبویه (م ۱۸۰ق) برای فرجام آیات به کار رفت تاکنون، کم و بیش بحث شده است؛ اما به نظر می‌رسد هنوز زوایای بسیار زیادی از آن روشن نگردیده است. از جمله این مباحث، بحث اهمیت فاصله در قرآن از نظر نقش آن در اعجاز و بلاغت، کاربرد آن در زمینه تبیین محتوایی و تفسیر و ضرب‌آهنگ آن در قرائت است. از این رو سؤال اساسی این است که فاصله در قرآن از چه اهمیتی برخوردار است؟ در این مقاله تلاش شده است با پژوهش در آثار و کتب و با استفاده از سخنان عالمانی که در این زمینه سخنی گفته‌اند، جهاتی از اهمیت این پدیده قرآنی آشکار گردد. از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد: فاصله؛ یکی از وجوه اعجاز قرآن، تجلی بلاغت آن، زینت بخش لفظ و معنا در قرآن، عامل تأثیرگذاری در جان‌ها و ... است.

کلیدواژه‌ها: فاصله، فواصل آیات، اهمیت فاصله، اعجاز قرآن، بلاغت قرآن.

۱- تبیین مسئله

«فاصله» پدیده‌ای قرآنی است که گرچه عالمانی (زرکشی، ۱۴۱۵/۱: ۱۴۹؛ سیوطی، ۱۴۰۸/۲: ۲۶۶) در تعریف، آن را به قافیۀ شعرو یا قرینۀ سجع تشبیه کرده‌اند، برخی دیگر از

سخن‌شناسان اعتقاد دارند، همین پدیده باعث امتیاز و جدا شدن قرآن از نثر و شعر می‌شود و گونه‌ای از کلام جدید به وجود می‌آید که منحصر به فرد و تقلیدناپذیر است. کلام عربی را قبل از قرآن، شامل دو نوع نظم و نثر می‌دانسته‌اند، اما بعد از نزول قرآن، کلام عربی به سه نوع تقسیم شد: شعر، نثر و قرآن (کوّاز، ۱۳۸۶: ۳۱۴). دانشمندان این سبک و اسلوب را که قرآن آورده و نمی‌توان برای آن، نه قبل و نه بعد از نزول، نظیری یافت، معجزه می‌خوانند؛ چرا که عادت عرب را نقض کرد و سخنی آورد خارج از آنچه برای آن‌ها شناخته و مألوف بود و این خود نشان معجزه است (خطیب، ۱۳۹۵: ۲/۲۱۵؛ ابوزید، ۱۹۹۲: ۳۵۱).

قطعاً پدیده «فاصله» یکی از عواملی است که در خارج شدن کلام قرآن از عادت مألوف و شناخته شده عرب، نقش اساسی دارد. پس باید نقش این عامل را بسیار بزرگ دانست و از اهمیت والای آن در قرآن سخن گفت. در اهمیت فاصله قرآنی همین بس که گروه‌های بسیاری از دانشمندان و علمای کلام، لغت و ادب و خصوصاً علم نحو و بلاغت و مفسران و دانشمندان علوم قرآنی درباره آن سخن گفته‌اند (حسنای، ۱۴۰۶: ۴۳).

اکنون که به اجمال اهمیت فاصله قرآنی روشن گردید، این سؤال اساسی مطرح است که دلایل این اهمیت چیست؟ از چه زوایا و جهاتی درباره اهمیت این پدیده می‌توان سخن گفت؟

درباره پیشینه این موضوع باید گفت، بحث از فاصله قرآنی از قرن سوم و چهارم هجری آغاز گردیده، اما همیشه در ضمن مباحث ادبیات، بلاغت، اعجاز، تناسب، تفسیر و علوم قرآن مورد توجه قرار گرفته است. در دوران معاصر برخی از قرآن‌پژوهان عرب از جمله محمد حسنای در الفاصله فی القرآن، حسین نصّار در الفواصل، عبدالفتاح لاشین در الفاصله القرآنیة، سیّد خضر در الفواصل القرآنیة و اخیراً جمال محمود ابوحسان در الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة، به صورت تخصصی به این بحث پرداختند. در زبان فارسی نیز می‌توان از کتاب فواصل و بلاغت از جواد طاهرخانی نام برد. در این آثار گرچه در لابه‌لای مطالب گاهی از اهمیت فاصله در قرآن سخن گفته شده، هیچ‌گاه به

عنوان یک بحث مجزا مورد توجه واقع نگردیده است. با جستجویی که در سامانه‌ها و نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای و مجازی نیز صورت گرفت، هیچ نوشتاری یافت نشد که به این موضوع پرداخته باشد. از همین رو تلاش گردید با خوشه‌چینی از نظرات و دیدگاه‌های عالمان در منابع مختلف علوم قرآنی، تفسیری، بلاغی و اعجازی، زوایا و جهات اهمیت فاصله قرآنی مورد واکاوی، بازیابی، تحلیل و بررسی قرار گیرد.

در ضرورت انجام چنین کاری همین بس که پس از شناخت و روشن شدن زاویه‌ها و جهت‌های اهمیت فواصل، تدبیر و تفکر بیشتری در آن صورت گرفته و در تفاسیر جدید نقش و کارکردهای خود را نشان خواهد داد.

۲- معناشناسی فاصله

قبل از هر چیز باید معنای لغوی و اصطلاحی «فاصله» بررسی شود:

فیروزآبادی (۱۴۲۶/۱:۱۰۴۲) واژه فصل را این گونه معنا کرده است: «الفصل» دیوار بین دو چیز است و محل به هم پیوستگی دو استخوان از بدن، مفصل است. «الفاصله» مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر در یک رشته قرار می‌گیرد و نظم موجود را از هم جدا می‌سازد. ابن منظور (۱۴۱۴/۱۱:۵۲۱) نیز آورده است: «فاصله، مهره‌ای است که در یک رشته مانند گردن بند، بین دو مهره دیگر قرار می‌گیرد. و «عقد مفصل»؛ یعنی مهره‌ای که بین دو مروارید واقع می‌شود».

به هر حال فاصله به معنای دیواره‌ای است که دو چیز را از یکدیگر جدا می‌سازد و آنگاه باعث تمیز دادن و آشکار شدن آن‌ها می‌شود (ر.ک: زبیدی، بی‌تا: ۱۶۳/۳۰؛ ازهری، ۲۰۰۱: ۱۲/۱۳۶؛ ابن سیده، ۱۴۲۱: ۸/۳۲۹).

در معنای اصطلاحی فاصله تعاریف بسیاری وجود دارد. بعضی (رمانی، ۱۳۸۷: ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷: ۶۱) آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود، برخی (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۵۲۴) اوایل آیات را فاصله نامیده‌اند، بی‌آنکه مشخص سازند منظور حرف، واژه یا جمله آخر آیه است.

زرکشی (۱۴۱۵/۱:۱۴۹) و سیوطی (بی تا: ۲/۲۶۶) فاصله را کلمه آخر آیه مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می کنند. همچنین گفته شده: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف زوی یا وزن است» (حسنای، ۱۴۰۶: ۲۹).

این تعاریف گرچه در نوع خود صحیح است، جامع و مانع نیست. از این رو با توجه به بررسی های صورت گرفته در منابعی که به این موضوع پرداخته اند، برای ماوریم که می توان تعریفی دقیق تر ارائه کرد:

«فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوتی، فاصله، حروف و کلمه پایانی آیه است که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می بخشد. و از جنبه دلالتی، عبارت و جمله پایانی و مستقل برخی آیات است که دارای اهدافی خاص بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی وثیقی دارد» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۱؛ ۱۳۹۵: ۸۱-۹۶).

۳- وجه نام گذاری فاصله

پایان آیات را بدان دلیل فاصله نامیده اند که میان دو کلام فاصله و جدایی ایجاد می کند، به گونه ای که با فاصله، آیه از ما بعدش جدا می شود و گویا دانشمندان اسلامی این اصطلاح را از قول خدای تعالی: «الرَّكِبَاتُ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فَضَّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ» (هود/ ۱) و «كِتَابٌ فَضَّلْتَ آيَاتُهُ» (فضلت/ ۳) اقتباس کرده اند. همچنین کوشیده اند به دلیل شرافت و عظمت قرآن، اصطلاحی انتخاب شود که میان مردم رایج نبوده و در نثر و نظم عربی نیز استعمال نمی شده است. از همین رو از اصطلاحات رایجی مانند «قافیه» و «سجع» استفاده نکرده و به جای آن، عنوان فاصله را به کار برده اند (بنگرید به: زرکشی، ۱۴۱۵/۱: ۱۵۴؛ سیوطی، بی تا: ۲/۲۶۸؛ ۱۴۰۸: ۱/۲۵؛ لاشین، ۱۴۰۲: ۶؛ حبیشی، بی تا: ۹۹؛ یاسوف، ۱۴۲۷: ۴۶۰؛ خرقانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

۴- جهات اهمیت فواصل قرآنی

اهمیت فاصله را از زوایای گوناگون می توان مورد توجه و بررسی قرار داد. در اینجا با استفاده از دیدگاه های صاحب نظران قدیم و جدید به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۴-۱. فاصله، یکی از وجوه اعجاز قرآن

دانشمندانی که دربارهٔ اعجاز قرآن سخن گفته‌اند در تعداد وجوه اعجاز و تحدی قرآن اختلاف نظر داشته و هریک وجوهی را برشمرده‌اند؛ اما بسیاری از آنان به «فاصله» به عنوان یکی از وجوه، یا جزئی از یک وجه نگریسته‌اند. در ادامه به گفتهٔ برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

ابوالحسن علی بن عیسی رمانی (۱۳۸۷: ۹۸) می‌نویسد: «فواصل قرآن تمامش بلاغت و حکمت و زیبایی است؛ چرا که راهی برای فهم معانی و نیکویی در مبانی است. و قرآن به وسیلهٔ آن به حدِّ اعجاز بالاتراز حدِّ شگفتی و اعجاب رسیده است».

قاضی عیاض بن موسی یحصبی (۴۷۶-۵۴۴ق) در فصل مربوط به اعجاز کتاب الشفا بتعریف حقوق المصطفی، در دومین وجه اعجاز از مقاطع آیات و فواصل قرآن سخن به میان آورده و آن را جزئی از صورت نظم عجیب و اسلوب غریبش بیان کرده که مخالف اسلوب‌های سخن و روش‌های نظم و نثر عرب بود که به آن خو گرفته بودند؛ چیزی که قبل و بعد آن نظیری برایش یافت نشده است (۱۴۰۷: ۵۱۱/۱).

همچنین جلال الدین سیوطی (۱۴۰۸: ۲۳/۱) در کتاب معترك الاقران فی اعجاز القرآن، از فواصل به عنوان سومین وجه اعجاز یاد و سخن قاضی عیاض را با اضافاتی نقل کرده و سپس سخن را دربارهٔ آن و انواع و اقسامش ادامه می‌دهد.

محمد طاهر بن عاشور (۱۹۸۴: ۷۶/۱) فواصل را از وجوه اعجاز برشمرده و دلیل آن را برگشتش به زیبایی‌های سخن و فصاحت کلام دانسته است. همچنین فواصل را از تمام‌کننده‌های فصاحت قرآن معرفی کرده که حظ و بهره‌ای از اعجاز دارد (۳۵۴/۵: ۱۴۸/۲۲).

محمد ابوزهره (بی‌تا: ۲۵۶) نیز فواصل را در کنار اسلوب و الفاظ، قسمتی از حلاوت منحصر به فرد قرآن معرفی کرده، تأکید می‌کند که ترنم مقاطع، حروف، کلمات، جملات،

فواصل و ابعاد آن همه و همه برای عرب معجزه بوده از اینکه بتوانند مانند آن بیاورند.^۱ در این میان، دیدگاه آقای فضل حسن عباس شنیدنی تر است. او در تقریظ بر کتاب شاگرد خود ابوحسان وجوه اعجاز را بسیار متعدد می‌داند؛ از جمله: تقدیم و تأخیر، حذف و ذکر، فصل و وصل و.... و بر این باور است که همه این‌ها در تمام آیات قرآن کریم یافت نمی‌شود؛ بعضی در آیه‌ای و برخی در آیه‌ای دیگر وجود دارند، ولی نکته جالب این است که فاصله قرآنی تنها وجهی است که هیچ آیه‌ای از قرآن کریم خالی از آن نیست؛ زیرا در هر آیه‌ای از آیات فاصله هست.... آنگاه نتیجه‌گیری می‌کند: «من نمی‌گویم فاصله از مهم‌ترین ستون‌های اعجاز است، بلکه آن مغز اعجاز و جوهر آن است» (ابوحسان، ۱۴۳۱: ۷).

همان‌گونه که ملاحظه شد از عالمان متقدم تا محققان و پژوهشگران معاصر همه در اینکه فاصله نقش اساسی در اعجاز قرآن دارد هم داستان هستند؛ اما آن‌گونه که نصار (۲۲۴) نیز اشاره کرده است بیشتر این عالمان، فواصل را به تنهایی وجهی از وجوه اعجاز بر شمرده‌اند و برخی نیز مانند قاضی عیاض و ابوحزمه علوی و ابوزهره، جزئی از یکی از وجوه اعجاز، ولی کسی شک و تردیدی روا نداشته در اینکه فواصل در مبحث اعجاز، سهم فراوانی را به خود اختصاص داده است و همین به تنهایی یکی از دلایل اهمیت و ارزش فواصل قرآنی را بیان می‌دارد.

البته برای نشان دادن چگونگی اعجاز فاصله باید مقاله‌هایی دیگر نوشت و از همین

۱. علاوه بر آنچه نقل شد، می‌توان از عالمان و صاحب‌نظران بسیاری مانند محمد غزالی (نصار، ۱۹۹۹: ۲۲۱، به نقل از: نظرات: ۱۵۸)، حسن ضیاء‌الدین عتر (همان: ۲۲۳، به نقل از: بینات معجزه خالده: ۲۵۹-۲۶۰)، سید عبدالغفار (همان: ۲۲۴، به نقل از: قضایا فی علوم القرآن تعیین علی فهمه)، عبدالکریم خطیب (۱۳۹۵: ۲۱۵-۲۱۶)، سید خضر (۱۴۳۰: ۹)، کمال‌الدین عبدالغنی مرسى (۱۴۲۰: ۴۵، ۶۰ و ۶۵) و عبدالله محمد جیوسی (۱۴۲۷: ۴۵) یاد کرد که فاصله را یکی از وجوه اعجاز قرآن معرفی کرده‌اند.

رو باید خوانندگان را به منابعی همچون *معتبرك الاقران* سیوطی و دیگر کتاب‌های اعجاز قرآن راهنمایی کرد.

۴-۲. فاصله، تجلی بلاغت قرآن

از دیگر جهات و دلایل اهمیت فاصله، می‌توان به نقش مهم آن در بلاغت قرآن اشاره کرد. اگر بلاغت، به معنای بیان سخن براساس مقتضای حال مخاطب و رسایی بیان و تأثیرگذاری آن در جان و ذهن شنونده است (هاشمی، ۱۳۷۰: ۲۳)، مطمئناً یکی از بهترین مصادیق آن در قرآن، فواصل است. تنوع فواصل حتی در آیه‌هایی با محتوای یکسان، نشان بیان مطلب براساس مقتضای حال مخاطب و تأثیرگذاری آن است و حتی تفاوت فواصل آیات و سوره‌های مکی و مدنی نیز براساس همین اصل قابل توجیه است. حال به دیدگاه برخی از عالمان بنگریم:

رّمّانی (۹۷-۹۸) فواصل را پنجمین قسم از اقسام ده‌گانه بلاغت دانسته، می‌گوید: «فواصل قرآن بلاغت و حکمت است؛ زیرا راهی برای فهم معانی است که در بهترین صورت برای دلالت به آن احتیاج است».

شیخ طوسی (۱۴۰۹: ۹۲/۶) نیز پس از اینکه قرآن را سخنی در بالاترین طبقه بلاغت معرفی کرده، وجود فواصل هم‌شکل را یکی از وجوه بلاغت قرآن برشمرده و معتقد است «هم‌شکلی مقاطع آیات در فواصل، همراه با چرخش سخن به بهترین صورت، معنای مقتضی را بیان می‌کند». همین‌گونه است دیدگاه آیت الله معرفت (۱۳۸۶: ۲۱۰/۵) که فواصل را از ارکان بلاغت در بیان می‌داند.

جمله «فواصل قرآنی با دلالت‌های معنوی حساس و نظم منحصر به فردی که در ضرب‌آهنگ درخشانش وجود دارد هنرزیبای بلاغت را تجلی می‌بخشد» نیز از خانم سخن‌شناس، دکتر بنت الشاطی است (بی‌تا: ۲۷۸). زحیلی (۱۴۲۲: ۱۵۱۰/۲) نیز در تفسیر خود فواصل را به دلیل تأثیر قوی که در جان‌ها می‌گذارد از نشانه‌های بلاغت معرفی می‌کند. احمد ابوزید (۳۵۱-۳۵۲) هم می‌نویسد: «حقیقت این است که ارزش فاصله در

بلاغت نظم قرآنی و حالات نظم و تناسبش، حقیقتی است که هیچ شکی در آن وجود ندارد. و اگر برای آن شأن و منزلتی والا در بلاغت و فراهم شدن اهدافش نبود، شایسته نبود قرآن بر آن محافظت ورزد و با عنایت ویژه آن را برگزیند، به گونه‌ای که به خوبی در جایگاهش قرار گیرد و در نظم خاص خویش استقرار یابد».

قرآن پژوهی دیگر تجلی جمال بلاغت قرآن را در فواصل آیات و خصوصاً در سوره‌های مفصلات می‌داند، جایی که آیات آن کوتاه، پشت سرهم، به شدت موجز و دارای ضرب‌آهنگ شدید است و اسلوب آن میان خوف و رجاء متغیر بوده تا بت پرستی را از قلوب مشرکان برکنده، ستون‌های ایمان را در سینه‌هایشان ثابت نماید. البته این حرف به معنای آشکار نبودن بلاغت در بقیه آیات قرآن از مدنی و مکی نیست (مرسی، ۱۴۲۰: ۵۴). همان گونه که ملاحظه شد دانشمندان در معرفی فواصل به عنوان یکی از نشانه‌های بلاغت قرآن هم صدا هستند و البته کتابی که از جانب خدای عالمیان برای هدایت آمده است باید جزء جزء آن دارای بلاغت بوده تا بتواند در جان‌ها تأثیرگذار باشد. برای آنکه مشخص شود سخن این عالمان گزاف و اغراق نیست، باید به کتاب‌های بلاغی و به سه دانش معانی، بیان و بدیع نظری افکند تا روشن شود که صنایع بلاغی بسیاری که در فواصل نهفته است در دیگر جملات قرآن، کمتر وجود دارد. یا با مراجعه به تفاسیری که به جنبه ادبی و بلاغی قرآن نیز توجه داشته‌اند معلوم می‌گردد که بیشتر نکات بلاغی قرآن در فواصل آن نهفته است. به همین جهت، جمله «فواصل، تجلی‌گاه بلاغت قرآن است» جمله‌ای دقیق و متین است. امیدواریم پژوهشگران قرآنی این جنبه از فواصل را در معرض دید علاقه‌مندان قرار دهند.

۴-۳. فاصله، زینت بخش قرآن

رّمّانی (۹۸)، باقلانی (۵۸-۵۹)، زرکشی (۱/۱۵۱) و ... فواصل را موجب زیبایی و حُسن قرآن دانسته‌اند. رشید رضا (۱۹۹۰: ۱/۱۶۷) می‌نویسد: «اینکه بیشتر سوره‌ها دارای نظم خاص و فواصل قافیه‌دار هستند، از لطائف بدیعی است که نظم قرآن را مخالف نظم

کلام عرب (از شعر و نثر) می‌سازد و این امر (نظم خاص و فواصل) به حسن و زیبایی قرآن و اثرگذاری اش در قلب می‌افزاید».

زحیلی در تفسیر خود در موارد مختلف، توافق و هماهنگی فواصل را از زیبایی کلام می‌داند که به شکوه، ارزش و تأثیر آن می‌افزاید (۱۴۱۸: ۱/۸۴؛ ۵/۲۰؛ ۶۱، ۲۲/۱۷۰؛ ۲۳/۱۰۵؛ ۲۷/۲۵۶). عبدالکریم خطیب (۱۹۷۵: ۲/۲۱۶-۲۱۷) می‌نویسد: «فواصل در قرآن، صورت‌های گوناگونی به خود می‌گیرند و به شکل رنگ‌ها و نغمه‌های مختلفی درمی‌آیند و از این همه جز زیبایی تجدیدشونده نمی‌یابی و زبان نیز از آن جز پاکیزه‌های متنوع بهره نمی‌برد». حسین نصار (۱۹۹۹: ۱۹۳ و ۱۹۵) نیز در چندین مرحله به نقش حُسن آفرینی و زیبایی بخشی فواصل اشاره می‌کند.

به هر حال فواصل به زیبایی اسلوب و قدرت عبارت که در تمام آیات قرآن موجود است، استحکام می‌بخشد و خود علتی برای زیبایی نظم‌آهنگ قرآن است که وجدان را تحریک و بر عظمت خدای سبحان دلالت می‌کند. به ویژه در هنگام تلاوت، همین مسئله زیبایی آهنگ و نیکویی صوت را مضاعف می‌سازد.

از همین رو، بر این باوریم که فواصل آیات که جامع زیبایی‌های لفظی، صوتی، موسیقی و نظم معنایی است، به قرآن زینت و جذابیت خاصی می‌بخشد و از عوامل زیبایی بی‌نهایت آن است.

۴-۴. فاصله، باعث همبستگی، هماهنگی و نظم بخشی به آیات و سوره‌ها

اهمیت دیگر فواصل به نقش آن در همبستگی، هماهنگی و نظم آفرینی لفظی و موسیقایی پایان آیات یک سوره برمی‌گردد. این امر به آیات یک سوره یا گروهی از آیات یک سوره نظم، آهنگ و شخصیت خاصی می‌بخشد و باعث می‌شود سوره‌ها و قسمت‌هایی از آن‌ها از یکدیگر متمایز باشند. برای تقریب به ذهن می‌توان دانش‌آموزان مدرسه‌ای را مثال زد که همه از نظر آرایش موی سر و فرم لباس، یکسان عمل می‌کنند. این هماهنگی و یکدستی، جدای از بلندی و کوتاهی قدشان، نوع خاصی از تناسب را به تصویر می‌کشد و

همین، باعث تمایز آنان با دانش‌آموزان مدارس دیگر می‌گردد. فواصل آیات نیز از نظر صوتی و لفظی به آیات یک سوره یا تعدادی از آیات آرایش داده، باعث هماهنگی و همبستگی آیات آن سوره می‌شود.

یا می‌توان این گونه نیز بیان کرد که تناسب میان فرجام‌های آیات، همانند ترازوی پایان آن‌ها را در یک خط مستقیم قرار داده، مثل رشته‌ای بن آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و شیرازه‌ای است که آیات را در کنار هم گرد می‌آورد. این آرایه زیباساز، افزون بر آراسته کردن آیات، در همبسته کردن آن‌ها نیز نقش بسزایی دارد. هنگامی که خواننده سوره‌ای از قرآن را می‌خواند، در سراسر آن احساس یکنواختی و همواری می‌کند و آیات آن را منسجم می‌بیند (خرقانی، ۱۳۸۰: ۱۹۵-۱۹۶).

سوره‌های قمر، رحمن و واقعه که در کنار هم واقع شده‌اند، هر یک با نظم و آهنگ و ریتمی خاص خودنمایی می‌کنند. دو سوره مزمل و مدثر نیز همین ویژگی را دارند. در سوره مریم آیات ۳۴ تا ۴۰ و ۷۴ تا پایان سوره از دیگر آیات سوره متمایز هستند. علاوه بر محتوا، آنچه به یک سوره و گروهی از آیات نظم و آهنگی خاص می‌بخشد، فواصل آیات است؛ یعنی هر سوره یا تعدادی از آیات با تغییر فاصله نظم خاص به خود می‌گیرد و همین باعث تمایز آن سوره و آیات می‌شود.

گفته شده است فراء به اینکه فاصله، کلید وزن قرآن یا ضرب آهنگ نظم آن است آگاهی می‌داد (فقیهی، بی‌تا: ۲۶). این سخن که در مقیاس کلی قرآن گفته شده در مقیاس کوچک‌تر؛ یعنی سوره‌ها و دسته‌هایی از آیات نیز صادق است؛ بدین معنا که فواصل هر سوره کلید نظم و وزن آن سوره هستند.

۴-۵. فاصله، عامل تأثیر قرآن در جان‌ها

یکی از ابعاد اهمیت فواصل قرآنی، تأثیری است که در قلب و جان انسان دارد؛ به گونه‌ای که با قرائت یا استماع آیات، اثری در قلب و جان خود احساس کرده، به آرامش می‌رسد. قرآن به دلیل همین تأثیر بر سمع و نقش مؤثر در نفس، به انسجام پایان آیات توجه

ویژه دارد.

زرکشی (۱۴۱۵: ۱/۱۵۶) معتقد است جایگاه نیکوی فاصله، تأثیری شگرف در جان آدمی دارد. ابن عاشور (۱۹۸۴: ۱/۷۲) غرض بلاغی توقف نزد فواصل را ورود در گوش شنوندگان و تحت تأثیر قرار گرفتن جان آنان با زیبایی‌های این همانندی می‌داند؛ همان گونه که با قافیه‌ها در شعر و اسجاع در کلام مسجوع تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

تمام کسانی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند به محرک بودن و تأثیر بخشی فواصل اذعان نموده‌اند. قرآن پژوهی نوشته است: «آنچه ما اعتقاد داریم این است که قرآن هنگامی که فاصله را مراعات می‌کند و بر آهنگش پایدار می‌ماند قوی‌ترین وسیله‌اش را در تأثیر حفظ می‌کند؛ چرا که آهنگ و آوای کلمات و هماهنگی و تناسب بین آن‌ها، زبانی است که در نفس و ضمیر آدمی رخنه می‌کند و روح را به سوی افق‌های قدسی بالا می‌برد و مستی‌ای ایجاد می‌کند که هر کس این آیات را با ترتیل بخواند آن را حس می‌کند، و صدایش در آن لرزان و بریده بریده می‌شود، و همراه با آهنگ‌هایش تلاطم می‌گیرد. سپس به این فواصل منتهی می‌شود و نزد آن قرار و آرام می‌یابد» (ابوموسی، بی‌تا: ۳۵۹).

البته قابل ذکر است که همسانی و سازگاری فواصل با تلقینات معنایی که با خود دارد، در هنگام استماع، تأثیری خاص در جان ایجاد می‌کند و همین تأثیرگذاری عمیق در جان و روح بشر به اهمیت فواصل می‌افزاید.

۴-۶. فاصله، ترکیب‌کننده لفظ، موسیقی و معنا

آیات قرآن از جهات لفظ و آهنگ و معنا معجزه بوده و در اوج فصاحت و بلاغت است. در این میان، فاصله به عنوان جزء متمم آیه باید به گونه‌ای عمل کند که در آن واحد این سه جهت با یکدیگر ترکیب شوند. آیات قرآن با رساترین الفاظ و واژگان، زیباترین موسیقی و آهنگ را تولید می‌کند و این هر دو در خدمت معنا قرار گرفته، تأثیرگذارترین محتوا را ارائه می‌دهد. بدین گونه عبارت یا کلمه پایانی آیه در اتصالی دقیق و ویژه با متن و محتوای آیه بوده، به وسیله آن یک واحد منسجم و کاملاً مرتبط به نام آیه

شکل می‌گیرد.

دکتر بنت الشاطی (۲۷۸) این موضوع را این گونه بیان می‌کند: «من ارزش این هماهنگی لفظی و آهنگ ویژه این تناسب و انسجام خیره‌کننده را که هنر بلاغت در آن متجلی است، کم نمی‌دانم؛ هنری که عبارت است از بیان معنا با پربارترین لفظ، جالب‌ترین تعبیر و زیباترین آهنگ و موسیقی».

قرآن پژوهی دیگر بر این باور است که فاصله در آن واحد دو بار و وظیفه را به دوش می‌کشد؛ باری که از جایگاه موسیقی دارد و وظیفه‌ای که برای تمام‌کنندگی معنای آیه دارد... فاصله نقش خود را در استحکام بنای آیه در شکل و مضمون، یا در مبنا و معنا، به اندازه مساوی ایفا می‌کند؛ چرا که شیوه آیه در تقدیم و تأخیر، حذف و اضافه، فصل و وصل فقط بر اساس اعتبارات شکلی محض نیست، بلکه در عین حال معنا را نیز تبعیت می‌کند و این چنین در استحکامش بر مطمئن‌ترین وجوه احکام سهیم می‌شود (نصار، ۱۹۹۹: ۴۵-۴۶).

در این زمینه نیز می‌توان به سخن بسیاری از دانشمندان از جمله فتحی احمد عامر (۲۱۶)، احمد ابوزید (۳۵۱-۳۵۲)، کمال الدین مرسی (۵۹) و محمد حسین علی صغیر (۱۴۹) اشاره کرد.

به هر حال پیوند ناگسستنی میان لفظ و معنا در سراسر فواصل آیات قرآنی و مؤانست آوایی-معنایی میان آن‌ها، نوایی احساس برانگیز پدید می‌آورد و نسیمی روح‌افزا را به وزیدن وامی‌دارد که باعث خلجانان روحی می‌شود و این موضوع یکی از عوامل اهمیت این پدیده قرآنی می‌باشد و آن را در ردیف مسائل اولویت‌دار برای پژوهش قرار می‌دهد.

۴-۷. فواصل، تداعی‌کننده فضای کلی سوره

فواصل هر سوره چه از نظر الفاظ و کلمات، چه از نظر موسیقی و آهنگ و چه از جهت معنا و دلالت، جو و فضای کلی سوره را نشان می‌دهند و این امر نیز بر اهمیت فواصل می‌افزاید.

برخی اعتقاد دارند که به عبارات پایانی آیات نباید فقط در همان آیه نگریسته شود، باید در مجموع قصه و داستان، بلکه در تمام سوره و بالاتر در جمیع قرآن نگاه کرد. نباید فاصله را در ترازوی سرانجام یک آیه فقط وزن کرد و نباید عظمت آن را بر حکم جزئی محل ذکرش حمل کرد؛ چرا که از حقیقت کاسته می‌شود. این فواصل سرشنونده را از جزء پراکنده به سمت یک کل بسیط و از اجزای تفصیل داده شده به سمت یک کل مجمل بالا می‌برد و نگاهش را متوجه مقصد بلندمرتبه می‌گرداند (دغامین، ۱۴۱۹: ۷۳-۷۴).

مفسری گران قدر بر این باور است که اسماء و صفاتی که در پایان آیات یک سوره آمده است، تعلیل و برهان اجمالی مضمون همان سوره است و بررسی آن‌ها به شناخت سوره و پی بردن به عصاره آن کمک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۳/۱۵۹).

به هر حال از جنبه موسیقایی و لفظی، فواصل یک سوره نشان‌دهنده فضای کلی آن سوره هستند. آهنگ و لحن این فواصل با معانی سوره تناسب دارد و همگام با تغییر مطالب و مضامین آیات متغیر و متنوع می‌شوند، به گونه‌ای که به نظر می‌آید فواصل قرآنی نماینده محیط و فضای مطالب و مقاصد سوره می‌باشند. این مطلب را از آنچه سید قطب درباره سوره محمد ﷺ نوشته است نیز می‌توان استفاده کرد: «همانا آهنگ و موسیقی فاصله در سوره محمد ﷺ - که سوره قتال نیز نامیده می‌شده - از همان آغاز سوره گویا گلوله‌های سنگین است: اعمالهم، بالهم، امثالهم، اهواءهم، امعاءهم. و حتی آن هنگام که سبک می‌شود به چرخاندن شمشیرها در هوا شباهت پیدا می‌کند: اوزارها، امثالها، اقفالها» (سید قطب، ۱۴۱۲: ۶/۳۲۸۰).

بنابراین برای شناخت فضای کلی یک سوره از نظر معنا و موسیقی می‌توان از فواصل آن کمک گرفت و این امر بر اهمیت فواصل می‌افزاید.

۴-۸. فاصله، موجب تدبر، فهم و معرفت بیشتر قرآن

رّمّانی (۱۳۸۷: ۹۸) و باقلانی (۱۹۹۷: ۲۷۰) اولین کسانی بودند که بیان کردند، فاصله باعث فهم بهتر معانی آیات می‌شود. اگر تدبر را تلاش ذهنی برای کشف ارتباط میان

کلمات، عبارات، جملات و آیات با یکدیگر بدانیم؛ یکی از جایگاه‌های مناسب آن، فواصل آیات و ارتباط آن‌ها با متن آیه است. همچنین ارتباط فواصل یک سوره با یکدیگر و با فضای کلی سوره، ارتباط آیه‌ای که دارای فاصله مشترک‌اند و یا ارتباط کلی آیه‌ای که دارای محتوای یکسان‌اند، اما از فواصل متفاوتی برخوردارند، همه این‌ها زمینه‌ای برای تفکر و تدبیر در قرآن است. بر اساس آیه ۸۲ سوره نساء که به تدبیر تشویق می‌نماید، با تدبیر در فواصل و روابط موجود، حقانیت و اعجاز قرآن بیش از پیش اثبات می‌گردد.

بقاعی (۱۴۱۵: ۶۹۸/۲) درباره فواصل گفته است: «مع ما تفیده فواصل الآيات من اللطائف والمعارف الكاشفة لحقائق البدايات». و در جای دیگر آورده است: «فواصل و نهايات تكون بها مفارقة لما بعدها و ما قبلها، يفهم منها علوم جمّة و معارف مهمّة و إشارات إلى أحوال عالية، و موارد عذبة صافية، و مقامات من كل علة شافية، كما تفصل القلائد بالفرائد، و هذا التفصيل لم يشاركه في شيء منه شيء من الكتب السالفة، بل هي مدمجة إدماجاً لأفواصل لها كما يعرف ذلك من طالعها» (همان: ۴۹۹/۳). این لطائف و معارف که در فواصل نهفته است و خود باعث کشف حقایق بسیاری خواهد شد و دانش‌های فراوان و معارف مهم و اشاره‌ها به احوال عالی و موارد گوارا و مقاماتی که از هر مرضی شفا دهند است، چگونه از فواصل کشف خواهند شد؟ آیا راهی برای ظهور آن‌ها جز تدبیر وجود دارد؟ راهی که خود قرآن برای فهم معانی پیش پای بشر می‌گذارد.

زرکشی (۱۶۹/۱-۱۷۰) نیز می‌گوید: «قطعاً باید فاصله مناسب و ارتباطی کامل از نظر معنا با آیه داشته باشد وگرنه کلام از هم جدا می‌شود و فواصل قرآن این گونه نیست. ارتباط و مناسبیت برخی از آن‌ها روشن و آشکار است و برخی دیگر جز با تأمل انسان خردمند به دست نمی‌آید». دکتر بنت الشاطی (۲۷۸) نیز معتقد است که تدبیر ما را به راز بیانی فاصله قرآنی هدایت می‌کند. و از طرفی می‌توان افزود که فاصله در قرائت و استماع، فرصتی برای تدبیر و فهم نیز فراهم می‌آورد و در هر دو صورت اهمیت فواصل در تدبیر بسیار چشمگیر و قابل توجه است.

مشخص است که تدبیر و فهم بیشتر آیات به معرفت بیشتر درباره قرآن می‌انجامد.

ابن انباری می‌گوید: «برای کسی معرفت معانی قرآن دست نمی‌دهد جز به معرفت و شناخت فواصل» (اشمونی، ۱۹۸۲: ۹). همان گونه که آیت الله معرفت (۱۳۸۶: ۲۱۰/۵) نیز برای معرفت و شناخت فواصل و رؤوس آیات، شأن خطیرو مهمی قائل است.

بر اساس این سخنان برای فهم و شناخت بیشتر قرآن چاره‌ای جز تدبر و شناخت فواصل آیات به ویژه آیاتی که با نام‌های حسنی الهی پایان می‌پذیرند، نیست. بنابراین می‌توان یکی از دلایل اهمیت فواصل قرآن را نقش آن در تدبر، فهم و معرفت قرآن دانست.

۴-۹. تدبر در فواصل، باعث معرفت بیشتر خداوند

شیخ عبدالرحمن سعدی (۱۴۲۰: ۵۳) نوشته است: «خدای متعال آیات را با اسمای حسنی خودش به پایان برد تا بر این دلالت کند که حکم مذکور در آیه، به آن اسم کریم تعلق دارد. و این قاعده لطیف و نافع است و باید در تمام آیاتی که به آن اسماء ختم می‌شوند، پیگیری کنی و آنگاه آن را در نهایت تناسب می‌یابی. و این تورا به شرع، امر و خلق راهنمایی می‌کند که همه آن‌ها از اسماء و صفات بلند مرتبه او صادر شده و این مرتبط به آن است. این باب بزرگی در معرفت خدای تعالی و شناخت احکام و دستوراتش است و از بزرگ‌ترین معارف و شریف‌ترین علوم به شمار می‌رود».

آیت الله جوادی آملی (۱۳۹۱: ۳۱/۳۰۸-۳۱۰) نیز کلید فهم معارف قرآن کریم را شناخت اسمای حسنی الهی می‌داند و درباره اسماء و صفات خدای متعال که در پایان آیات آمده، می‌نویسد: «در پایان هر آیه یا مجموعه آیه‌های عمیق علمی، یک یا چند اسم از اسمای حسنی یاد شده که ضامن مضمون آن‌ها و کلید محتوای آن به شمار می‌روند... همه اسمای حسنی ذیل آیه یا مجموعه آیه‌های دارای سیاق، متناسب با معارف یاد شده در آن آیات اند و بیان دلیل حکم و کلید محتوای آن به شمار می‌روند، پس اگر کسی معنای ظاهری آن اسم یا اسماء را بداند، ظاهر آیه را می‌فهمد و هر چه به باطن اسماء نزدیک‌تر و آشناتر شود، معنای عمیق و باطنی آیه را در می‌یابد و چنانچه مانند خاتم انبیاء و جانشینان گرامی اش ﷺ مظهر آن اسم‌ها گردد محتوای آیه را با مظهریت خدا نشان

می‌دهد. خلاصه، همهٔ آیه‌های قرآن شرح اسمای الهی‌اند و کلید فهم محتوای آیات، فهم درست این اسماء و کلید عمل به آن هم مظهریت این اسماست. پس باید با اسمای حسنای الهی آشنا شد...».

بدین ترتیب مشاهده می‌شود مطالعه و تدبر در اسماء و صفات پایانی و ارتباط آن‌ها با متن آیات، افزون بر شناخت و معرفت به قرآن، انسان را به شناخت بهتر و بیشتری از خداوند متعال و ایمان به او و در مرحلهٔ آخر، مظهریت آن اسماء و صفات می‌رساند. این مسئله نیز بازگوکنندهٔ یکی از دلایل اهمیت فواصل قرآنی می‌باشد.

۴-۱۰. کاربرد فواصل در علم قرائت

از دیگر دلایل اهمیت فواصل، به کاربرد آن در علم قرائت می‌توان اشاره کرد. اینکه پایان آیه به طور دقیق کجاست؟ چگونه باید قرائت شود؟ کجا اماله لازم است؟ کجا «ی» ضمیر متکلم باید حذف شود؟ و... همهٔ این‌ها در علم قرائت جایگاهی شایسته دارد و در بسیاری موارد به فواصل آیات مربوط می‌شود. قاری‌ای در قرائت موفق است که به خوبی فواصل را بشناسد و نقش آن را بداند و در قرائت خود به کار گیرد.

عبدالفتاح عبدالغنی قاضی (۱۴۰۴: ۲۵) آنجا که از فواید معرفت و شناخت فواصل سخن می‌گوید در اهمیت شناخت فواصل در قرائت نیز می‌نویسد: «ششم: آگاهی از وقف‌ها بر این علم (قرائت) متوقف است. وقف بر رؤوس آیات سنت است و هرگاه قاری بر این فن خبره نباشد شناخت بروقف‌های سنت و تمیز آن از غیرش برایش حاصل نمی‌شود. هفتم: این فن در باب اماله نیز اعتبار دارد. پس بعضی از قراء امالهٔ رؤوس آیات خصوصاً سوره‌های طه، نجم، اعلی، شمس، ضحی و علق را واجب می‌دانند. اگر قاری رؤوس آیات سوره‌ها را نزد قراء سبعة نشناسد در کار خود موفق نیست».

۴-۱۱. فواصل، تسهیل‌کننده حفظ قرآن

فواصل قرآنی با نظم و آهنگی که دارند به حفظ آیات کمک نموده، کار حافظ را آسان‌تر می‌کنند. غالب فواصل قرآن از نظر حروف، متماثل یا متقارب هستند و این تشابه و

نزدیکی در فواصل، حفظ آن را مانند بعضی منظومات تعلیمی سهل و آسان می‌گرداند. همچنین از همگونی فواصل در تعیین حدود مقاطع حفظ و نشاط حافظ در پایان هریک از آن‌ها استفاده می‌شود.

مصطفی صادق رافعی (بی‌تا: ۱۳۲/۲) می‌نویسد: «خداوند حفظ قرآن را با اسباب بسیاری آسان کرده است. آشکارترین از نظر منفعت و اولین آن‌ها از نظر جایگاه، همین سوره‌های کوتاه هستند که کلمات معدود و آیات اندکی دارند. هر آیه آن همانند خود سوره از تعداد کمی از واژگان تشکیل شده و طاق‌ت کودک با آن تمام نمی‌شود و با فواصل که بر یک حرف، یا دو حرف یا حروف اندک نزدیک به هم است به هم پیوند می‌خورد و از آن جدا نمی‌شود. کودک بعضی از این سوره‌ها را حفظ می‌کند تا اینکه نظم قرآن بر زبانش جاری می‌شود و اثرش در جانش ثابت می‌گردد و بعد از آن به مرور آن می‌پردازد.

و هرگاه خواستی به شگفتی این معنا بررسی، پس تأمل کن در آخرین سوره قرآن و اولین چیزی که کودکان آن را حفظ می‌کنند و آن سوره ناس است. بنگر که نظم آن چگونه است و چگونه فاصله که همان واژه «التاس» است در آن تکرار می‌شود. و چگونه است که در فواصل سوره جز حرف «سین» را که شدیدترین حرف از نظر صغیر [بر زبان کودک] و طرب‌انگیزترین برگوش کودک کوچک است، نمی‌بینی».

به هر حال فواصل با حروف متماثل و متقاربتش و لحن و آهنگ جذّابش حفظ آیات قرآن را تسهیل نموده، به اهمیت آن از این جهت می‌افزاید.

با توجه به دلایل گفته شده به خوبی اهمیت فواصل در قرآن آشکار می‌گردد. امیدواریم با توجه به اهمیت این پدیده قرآنی، مطالعات و پژوهش‌های بیشتری را در این زمینه شاهد باشیم؛ امری که در زبان فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حتی به فواصل با این درجه از اهمیت در تفاسیر نیز کمتر بها داده شده و درصد بسیار کمی از مطالب تفاسیر را به خود اختصاص داده است. باشد که روزی مفسران ما به فواصل و نقش و اهمیت آن در قرآن بیشتر توجه کرده، زوایای آن را روشن نمایند.

۵- نتیجه گیری

با توجه به اینکه «فاصله» یکی از وجوه اعجاز، تجلی بلاغت، زینت بخش آیات، ایجادکننده همبستگی و هماهنگی آیات و سوره‌ها، عامل تأثیرگذاری در جان‌ها، ترکیب‌کننده لفظ و موسیقی و معنا و تسهیل‌کننده حفظ قرآن معرفی گردید، روشن می‌شود که این پدیده از ارزش و اهمیت خاصی در قرآن برخوردار است و به همین دلیل در تفسیر و بررسی آیات باید بیشتر به آن پرداخت. حتی گاهی می‌توان از طریق فاصله، مفهوم آیه را نیز تبیین و تأیید کرد؛ مطلبی که کمتر در تفاسیر مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد شایسته است مفسران اهمیت فواصل در قرآن و ارتباط آن با متن آیه و فواصل دیگر آیات و سیاق و فضای سوره را تبیین کنند.

پیشنهادها

الف: کسانی که در زمینه تفسیر قرآن فعال هستند به فواصل آیات توجه بیشتری مبذول دارند.

ب: مقالات یا کتاب‌های بیشتری در این زمینه تألیف شود و زوایای بیشتری از بحث روشن گردد.

ج: در رشته‌های علوم قرآنی و تفسیری چند واحدی به بحث فواصل اختصاص یابد.

د: در درس‌های علوم قرآنی و اعجاز به این بحث، به طور ویژه پرداخته شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آخوندی، علی اصغر، *فواصل و چگونگی ارتباط معنایی آن‌ها با آیات*. دانشگاه تهران: پردیس فارابی، ۱۳۹۴ ش.
۳. _____، «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی»، *فصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*، سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۵، ص ۸۱-۹۶.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الاعظم*، دارالکتب العلمیه، بیروت،

- ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۰م.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، *التحرير والتنوير، تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد*، الدار التونسية للنشر، تونس، ۱۹۸۴م.
 ۶. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، دار صادر، بيروت، ۱۴۱۴ق.
 ۷. ابوحسان، جمال محمود، *الدلالات المعنوية لفواصل الآيات القرآنية*، دار الفتح، عمان، ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م.
 ۸. ابوزهره، محمد، *المعجزة الكبرى القرآن*، دار الفكر العربي، بی جا، بی تا.
 ۹. ابوزید، احمد، *التناسب البياني في القرآن، دراسة في النظم المعنوي والصوتي*، كلية الآداب / مطبعة الجديدة الدار البيضاء، رباط، ۱۹۹۲م.
 ۱۰. ابوموسی، محمد محمد، *خصائص التراكيب؛ دراسة تحليلية لمسائل علم المعاني*، مكتبة وهبه، بی جا، چاپ هفتم، بی تا.
 ۱۱. ازهری، محمد بن احمد، *تهذيب اللغة*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۱م.
 ۱۲. اشمونی، احمد بن محمد، *منار الهدی فی بیان الوقف والابتداء*، دمشق، ۱۹۸۲م.
 ۱۳. باقلانی، محمد بن طیب، *اعجاز القرآن*، دار المعارف، قاهره، بی تا.
 ۱۴. بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
 ۱۵. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن، *الاعجاز البياني للقرآن و مسائل ابن الازرق؛ دراسة قرآنية لغوية و بيانية*، دار المعارف، قاهره، چاپ دوم، بی تا.
 ۱۶. جوادى آملی، عبدالله، *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، نشر اسراء، قم، ۱۳۹۱ش.
 ۱۷. جیوسی، عبدالله محمد، *التعبير القرآني والدلالة النفسية*، دار الغوثانی للدراسات القرآنية، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۷م.
 ۱۸. حبیبی، فهد بن عبدالله، *رى الظمان في بيان القرآن*، بی جا، بی تا.
 ۱۹. حسناوی، محمد، *الفاصلة في القرآن*، المكتب الاسلامی؛ دار عتار، بیروت- عمان، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.
 ۲۰. خرقانی، حسن، *هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم*، نشر قلمرو، تهران، ۱۳۸۰ش.
 ۲۱. _____، *زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۹۲ش.
 ۲۲. خضر، سید، *الفواصل القرآنية- دراسة البلاغية*، مكتبة الآداب، بی جا، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م.
 ۲۳. خطیب، عبدالکریم، *اعجاز القرآن فی دراسة كاشفة لخصائص البلاغة العربية و معاييرها (الاعجاز فی مفهوم جدید)*، دار المعرفة، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.

۲۴. دغامین، زیاد خلیل محمد، اعجاز القرآن و ابعاد الحضاریة فی فکر النورسی، عرض و تحلیل، دار النیل، زمیر، ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، دار الكتاب العربی، بی جا، بی تا.
۲۶. رافعی، مصطفی صادق، تاریخ آداب العرب، دار الکتب العربی، بی جا، بی تا.
۲۷. رضا، محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الکریم (التفسیر المنار)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی جا، ۱۹۹۰م.
۲۸. رقمانی، علی بن عیسی، خطابی، و عبدالقاهر جرجانی، النکت فی اعجاز القرآن، در ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، دار المعارف، قاهره، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۸م.
۲۹. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الهدایه، بی جا، بی تا.
۳۰. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، دار الفكر المعاصر، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۳۱. _____، التفسیر الوسیط، دار الفكر، دمشق، ۱۴۲۲ق.
۳۲. زركشى، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دار المعرفه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۴م.
۳۳. سعدی، عبد الرحمن بن ناصر، القواعد الحسان فی تفسیر القرآن، مكتبة الرشد، ریاض، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.
۳۴. سید قطب، ابراهیم حسین، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت، قاهره، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
۳۵. سیوطی، جلال الدین، معترك الاقران فی اعجاز القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
۳۶. _____، الاتقان فی علوم القرآن، دار الجیل، بیروت، بی تا.
۳۷. صغیر، محمد حسین علی، الصوت اللغوی فی القرآن، دار المورخ العربی، بیروت، بی تا.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، بی جا، ۱۴۰۹ق.
۳۹. عامر، فتحی احمد، فکرة النظم بین وجوه الاعجاز فی القرآن الکریم، المعارف، اسکندریه، ۱۹۸۸م.
۴۰. فقیهی، محمد حنیف، نظریة اعجاز القرآن عند عبد القاهر الجرجانی عن کتابیه اسرار البلاغة و دلائل الاعجاز، المكتبة العصرية، بیروت، بی تا.
۴۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، مؤسسة الرساله، بیروت، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م.

۴۲. قاضی، عبدالفتاح عبدالغنی بن محمد، *نفايس البيان، شرح الفرائد الحسان فی عدّ آی القرآن*، مكتبة الدار، مدینه منوره، ۱۴۰۴ق.
۴۳. قاضی عیاض، عیاض بن موسی، *الشفقا بتعريف حقوق المصطفى*، دار الفیحاء، عمان، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۶م.
۴۴. کواز، محمد کریم، *الاسلوب فی الاعجاز البلاغی للقرآن الکریم*، دار الکتب الوطنیه، بنغازی، ۱۴۲۶ق.
۴۵. لاشین، عبدالفتاح، *من اسرار التعبير القرآن، الفاصلة القرآنیه*. دار المریخ للنشر، ریاض، ۱۴۰۲ق / ۱۹۸۲م.
۴۶. مرسی، کمال الدین عبدالغنی، *فواصل الآيات القرآنیه*، المكتب الجامعی الحدیث، اسکندریه، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.
۴۷. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسه تمهید، ذوی القربی، قم، ۱۳۸۶ش / ۱۴۲۸ق.
۴۸. نصّار، حسین، *الفواصل*، مكتبة مصر، قاهره، ۱۹۹۹م.
۴۹. هاشمی، سید احمد، *جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبديع*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۰ش.
۵۰. یاسوف، احمد، *دراسات فنیة فی القرآن الکریم*، دار المکتبی، دمشق، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۶م.